

# توصیف عوامل موثر بر گرایش و عدم گرایش شهروندان شهر آمل به ورزش

سید عماد حسینی<sup>۱</sup>

محمد هادی قاسمی<sup>۲</sup>

مسعود یمینی فیروز<sup>۳</sup>

مازیار کلاشی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱۳

هدف از پژوهش حاضر، توصیف عوامل موثر بر گرایش و عدم گرایش شهروندان شهر آمل به ورزش می‌باشد. روش انجام این پژوهش، توصیفی-پیمایشی و روش جمع‌آوری اطلاعات، میدانی بوده است. جهت گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه محقق ساخته برای افراد شرکت کننده در ورزش- با اقتباس از پرسشنامه شمسی (۱۳۹۲)- و افراد غیر شرکت کننده در ورزش- با اقتباس از پرسشنامه موتمنی و همکاران (۱۳۹۲)- استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، آزمون فردیمن، آزمون کروسکال والیس، تحلیل واریانس چند متغیره و تحلیل تابع تشخیص در سطح معناداری  $p \leq 0/05$  استفاده شده است. نتایج نشان داد متغیر خانواده بیشترین نقش و متغیر مدرسه کمترین نقش را در گرایش شهروندان شهر آمل در زمینه مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی دارا بوده است- مدرسه بیشترین نقش را در عدم گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی دارا بوده است. نتایج نشان داد هرچه میزان درآمد افراد بالاتر باشد، فرهنگ ورزش نیز در بین آنان بالاتر است و هرچه فاصله تا اولین فضای ورزشی کمتر باشد، میزان فرهنگ ورزش افزایش می‌یابد. در مورد افراد ورزشکار نتایج نشان داد افراد با ساعات کاری بیشتر، فرهنگ ورزش بالاتری دارند و افرادی که هزینه و زمان زیادی را صرف فعالیت‌های جانبی می‌کنند، از فرهنگ ورزش پایین‌تری برخوردارند. در مورد افراد غیر ورزشکار نیز نتایج نشان داد هرچه میزان ساعات کاری افزایش می‌یابد، تاکید افراد بر موانع شغلی بیشتر می‌شود و کسانی که زمان و هزینه‌های زیادی را صرف فعالیت‌های جانبی نموده‌اند، بیشتر بر موانع شخصی تاکید داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** خانواده، مدرسه، دوستان، رسانه‌های جمعی و فرهنگ ورزش

<sup>۱</sup> استاد یار، مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> استاد یار، مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد، مدیریت ورزشی، دانشگاه شمال، آمل، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد، مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

شاید نتوان بسادگی اثرات گسترده مشارکت در ورزش که به صورت فزاینده‌ای بر ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تاثیرگذار است را برشمرد. ایجاد اشتغال (جوئن چان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰)، بهبود سلامت (کاهش هزینه‌های درمان) (لکسونن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹)، افزایش بهره‌وری (کاوت سوس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲)، افزایش به‌زیستی (کیفیت زندگی) (کش<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۳)، کاهش میزان جرم و جنایات و بزه‌کاری (کارسو، ۲۰۱۱)، کاهش مصرف مواد مخدر و سیگار (نادمین<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰)، افزایش امید به زندگی (لی<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۲)، رشد اقتصاد منطقه‌ای (برقچی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹) و بهبود چهره کشورها در عرصه بین‌المللی و جهانی (نیکولاس کول<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹) از جمله تاثیراتی است که ورزش بر جامعه بر جای خواهد گذاشت. همان‌گونه که مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی می‌تواند اثرات مثبت و مفیدی را برای جامعه در پی داشته باشد، عدم مشارکت و کاهش حضور افراد در ورزش نیز می‌تواند عواقب سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به دنبال داشته باشد. بنابراین نیاز به تدوین مطالعات و پژوهش‌های هدفمند جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مناسب بیش از پیش خود نمایی می‌کند. به بیان دیگر، امروزه پژوهش چنان با سیاست‌گذاری پیوند خورده است که بدون انجام سلسله مطالعات و پژوهش‌ها و کنکاش در بحث‌های نظری نمی‌توان به موفقیت سیاست‌گذاری‌ها دل بست (مشبکی و خادمی، ۱۳۸۷). در سال‌های اخیر مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌ای در جهت افزایش مشارکت افراد جامعه در ورزش و فعالیت‌بدنی صورت پذیرفته است، اما از بیشتر این تحقیقات به موانع مشارکت و آن‌هم در زمینه ورزش بانوان پرداخته‌اند و حتی برخی از این پژوهش‌ها موانع پیش روی بانوان شرکت‌کننده در ورزش را مورد بررسی قرار داده‌اند، نه افرادی که هیچ‌گونه مشارکتی در ورزش و فعالیت‌های بدنی ندارند- زیرا هنوز هم درصد زیادی از جمعیت کشور یا به طور کلی و یا به طور منظم و مستمر در ورزش و فعالیت بدنی شرکت نمی‌کنند. کلاشی (۱۳۹۳) در پژوهش خود میزان مشارکت افراد در ورزش را برای سال ۱۳۹۱، ۳/۷ درصد جمعیت کشور و بیشترین میزان مشارکت مردم ایران در ورزش را برای سال ۱۳۸۸ در حدود ۴/۳ درصد گزارش کرده است. این اعداد

---

1. John Chan

2. Laaksonen

3. Kavetsos

4. Cash

5. Nademin

6. Lee

7. Barghechi

8. Nicholas Cull

و ارقام نشان از میزان مشارکت پایین افراد جامعه در ورزش و فعالیت بدنی دارد. مشارکت و یا عدم مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی یک مشکل اجتماعی به حساب می‌آید و به طور کلی مشکل یا مسئله اجتماعی هرچه باشد، از منظرهای گوناگون می‌توان به آن نگریست. به بیان دیگر، هر پدیده‌ای وجوه و اشکال گوناگون دارد که می‌توان به آن نگاه کرد یا با آن مواجه شد. از این رو، برای مواجهه و چالش با یک مسئله خاص اجتماعی معمولاً نهادها و سازمان‌هایی وجود دارند که هریک وظایف خاص خود را درباره پدیده ای واحد دنبال می‌کنند (مشبکی و خادمی، ۱۳۸۷). در زمینه ورزش نیز عوامل مختلف و بسیاری بر مشارکت و یا عدم مشارکت در ورزش تاثیرگذارند. اکثر روانشناسان ورزشی معتقدند که تنها یک علت یا انگیزه سبب بروز رفتار نیست، بلکه عوامل مختلفی باعث گرایش یا عدم گرایش افراد به امر ورزش می‌شوند. (معمدین و همکاران، ۱۳۸۸) مشارکت در ورزش تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله وضعیت اقتصادی، حضور یک شریک ورزشی، آموزش، وقت آزاد، سن و وضعیت سلامتی قرار دارد (براگاری<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی- اجتماعی نیز بر مشارکت در ورزش موثر است؛ به نوعی که در مناطق و نواحی دارای وضعیت اقتصادی- اجتماعی بهتر، توجه بیشتری نسبت به مناطق و نواحی پایین‌تر از لحاظ وضعیت اقتصادی- اجتماعی دیده می‌شود. در نتیجه فرصت‌های بیشتری برای مشارکت در ورزش وجود دارد (راشل<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج پژوهش عبدوی و اکرم‌زاده (۱۳۹۵) در زمینه نیازهای شهروندان به ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی نشان داد بین میانگین مولفه‌های تحقیق در میان شهروندان بر حسب درآمد، منطقه و تحصیلات تفاوت وجود دارد. همچنین، در جهت مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی موانعی وجود دارد که شامل هزینه‌های بالا، دسترسی ضعیف به امکانات و محیط نا امن و شبکه‌های اجتماعی می‌باشند (آلندر<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). به طور کلی، مشارکت در ورزش متأثر از عوامل، محدودیت‌ها و موانع بسیاری قرار دارد. بنابراین شناخت موانع مشارکت در ورزش می‌تواند یک توضیح از نرخ مشارکت پایین در ورزش را ارائه دهد و توجیهی در جهت آن باشد (براگاری و همکاران، ۲۰۱۱؛ ریمر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر این، شناسایی تسهیل‌کننده‌های مشارکت در ورزش نیز می‌تواند به توسعه استراتژی‌های بهتر با هدف افزایش مشارکت در ورزش منجر شود. با توجه به وضعیت مشارکت در ورزش برای افراد جامعه، یک فرد یا در ورزش شرکت خواهد کرد (ورزشکار) و یا

---

1 . Bragaru  
2 . Rochelle  
3 . Allender  
4 . Rimmer

در ورزش شرکت نمی‌کند (غیر ورزشکار). به منظور دستیابی به یک نتیجه و دید کلی نسبت به موانع و تسهیل‌کننده‌های مشارکت افراد در ورزش باید ورزشکاران و غیر ورزشکاران را به طور مشترک و یکسان مورد مطالعه قرار داد. در این پژوهش، موانع مشارکت در ورزش توسط غیر ورزشکاران و تسهیل‌کننده‌ها توسط ورزشکاران سنجیده می‌شود. همچنین، پژوهشگران معتقدند در فرآیند مشارکت ورزشی افراد، علاوه بر توانایی‌های فردی، امکانات و دسترسی به فرصت‌ها، عوامل جامعه‌پذیری (پدر و مادر، خواهران و برادران، معلمان، همسالان، رسانه‌ها و برخی الگوها) نیز دخیل هستند (کواکلی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰)؛ چنان‌که یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که نقش و اهمیت عوامل جامعه‌پذیری، بالاتر و با اهمیت‌تر از دیگر عوامل از جمله استعداد و توسعه مهارت‌های ورزشی افراد برای شرکت در ورزش می‌باشد (بیامون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). بنابراین عوامل جامعه‌پذیری نظیر خانواده، آموزش و پرورش، دوستان و همسالان نیز، هم به عنوان تسهیل‌کننده و هم به عنوان مانع مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در نهایت با تلفیق موانع و تسهیل‌کننده‌ها، به یک نتیجه‌گیری استراتژیک و کاربردی خواهیم رسید.

با توجه به مطالب فوق، مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی و شیوع آن در جامعه فواید و محسنات بی‌شماری را به دنبال خواهد داشت که این مسأله لزوم بررسی دلایل مشارکت و یا عدم مشارکت افراد جامعه در ورزش جهت آگاهی برنامه‌ریزان و متولیان ورزش جامعه، برای اتخاذ تدابیر و برنامه‌ریزی مناسب را می‌طلبد. از آنجایی که مشارکت و یا عدم مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی یک مسئله اجتماعی و انسانی به شمار می‌رود، جهت نائل شدن به یک نتیجه مناسب و کاربردی باید به همه جوانب و محدودیت‌های موجود توجه نمود و با دیدی جامع و چندجانبه به موضوع مورد بحث پرداخت. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با هدف توصیف عوامل موثر بر گرایش و عدم گرایش شهروندان شهر آمل به ورزش صورت پذیرفته است.

## **روش شناسی پژوهش**

روش انجام پژوهش حاضر، توصیفی-پیمایشی و به لحاظ هدف، کاربردی و روش جمع‌آوری اطلاعات، آن میدانی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان ۱۵ تا ۶۴ سال شهر آمل می‌باشد که به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز، از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد. گفتنی است که این روش با توجه به محدودیت‌های مربوط به زمان و منابع مالی و مادی، روش مناسبی بود.

<sup>۱</sup> . Coakly

<sup>۲</sup> . Beamon

مرحله اول: پس از تعیین حجم نمونه، تعدادی از مناطق شهرداری شهر آمل انتخاب شدند (نمونه‌گیری خوشه‌ای)؛

مرحله دوم: به نسبت جمعیت ساکن در هر منطقه و با توجه به وضعیت اقتصادی اجتماعی هر یک از این مناطق، نمونه‌ها تخصیص یافتند (نمونه‌گیری طبقه‌ای)؛

مرحله سوم: انتخاب برخی اماکن ورزشی و پارک‌های تفریحی ورزشی در هر منطقه (شرکت‌کننده در ورزش) و همچنین انتخاب پارک‌ها و محل‌های کسب و کار (عدم مشارکت در ورزش) (نمونه‌گیری تصادفی ساده)؛

مرحله چهارم: از بین شهروندان حاضر در محل‌های مذکور و بعد از اطلاع یافتن از میزان فعالیت ورزشی آن‌ها، تعدادی به عنوان ورزشکار- افرادی که در یک سال گذشته حداقل یک ساعت در هفته در یک فعالیت ورزشی شرکت کرده بودند- و تعدادی به عنوان غیر ورزشکار به عنوان پاسخ دهنده به سؤالات پرسش‌نامه انتخاب شدند (هدفمند و در دسترس).

جهت برآورد میزان نمونه آماری از فرمول کوکران<sup>۱</sup> استفاده شده است. بدین منظور ابتدا ۳۰ پرسشنامه مربوط به مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی- با اقتباس از پرسشنامه شمسی، ۱۳۹۲- و ۳۰ پرسشنامه مربوط به عدم مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی- با اقتباس از پرسشنامه موتمنی و همکاران، ۱۳۹۲- توزیع و واریانس اولیه آن برآورد و در فرمول مورد نظر وارد و مقدار نمونه محاسبه شده است. محققان جهت اطمینان و اینکه ممکن است مقداری از پرسشنامه‌ها برگشت داده نشوند و یا قابل استفاده نباشند، تعداد بیش از مقدار برآورد شده را توزیع نموده‌اند که مقادیر هر یک در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات مربوط به نحوه برآورد نمونه و تعداد پرسشنامه‌ها

پرسشنامه	واریانس	برآورد نمونه	توزیع شده	برگشتی	قابل استفاده
مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی	۰/۲۵۴	۱۹۹	۲۲۰	۲۱۳	۲۰۷
عدم مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی	۰/۲۰۸	۱۶۳	۲۰۰	۱۸۲	۱۷۴

جهت اطمینان از روایی صوری پرسش نامه، از نظر ۷ نفر از اساتید مدیریت ورزشی استفاده شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد. همان‌طور که از داده‌های جدول ۲ مشخص است میزان ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده در تمامی موارد بزرگ‌تر از ۰/۷ است که از اعتبار بالای پرسشنامه حکایت دارد.

$$1. n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

جدول ۲: ضریب آلفای کرونباخ برای هر کدام از پرسشنامه ها و ابعاد آن

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سوالات	ابعاد	پرسشنامه
۰/۷۷۲	۱۳	فرهنگ ورزش	جامعه پذیری
۰/۸۲۲	۷	خانواده	
۰/۸۵۲	۵	دوستان	
۰/۸۷۰	۷	مدرسه	
۰/۸۵۳	۷	رسانه های جمعی	
۰/۸۱۷	۳۹	کل	
۰/۸۸۵	۳	خانواده	موانع مشارکت
۰/۸۰۲	۳	دوستان	
۰/۸۲۸	۳	مدرسه	
۰/۷۲۶	۳	رسانه های جمعی	
۰/۷۰۳	۲	موانع شغلی	
۰/۷۸۱	۲	موانع ساختاری	
۰/۷۲۰	۴	موانع اقتصادی	
۰/۷۳۶	۴	موانع شخصی	
۰/۷۶۴	۲۴	کل	

جهت بررسی وضعیت توزیع داده ها از آزمون کالموگراف - اسمیرنوف استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان داد تمامی متغیرهای تحقیق دارای توزیعی غیر طبیعی می باشند. بنابراین از روش های آماری ناپارامتریک برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. همچنین، کلیه مراحل آماری توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ در سطح معناداری  $\alpha=0/05$  محاسبه شده است.

### یافته های پژوهش

جهت بررسی ابعاد جامعه پذیری در گرایش و عدم گرایش به ورزش در فضاهای شهری با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و غیرنرمال بودن داده ها از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون فریدمن جهت رتبه بندی ابعاد جامعه پذیری در مشارکت و عدم مشارکت در ورزش

عدم مشارکت در ورزش		مشارکت در ورزش	
متغیر	میانگین	متغیر	میانگین
مدرسه	۳/۲۸	خانواده	۳/۳۱

۲/۶۰	دوستان	۲/۷۹	دوستان
۲/۲۳	خانواده	۲/۲۵	رسانه
۱/۸۹	رسانه	۱/۶۵	مدرسه
۱۷۴	تعداد	۲۰۷	تعداد
۱۲۵/۴۱۶	خی ۲	۱۹۳/۰۵۸	خی ۲
۳	df	۳	df
۰/۰۰۱	معناداری	۰/۰۰۱	معناداری

بر اساس نتایج جدول ۳، در سطح اطمینان ۹۵ درصد- چون سطح معناداری ( $\text{sig}=0/001$ ) از خطای اندازه گیری ( $\alpha=0/05$ ) کوچکتر است- تفاوت معناداری بین متغیرهای تحقیق وجود دارد. بر اساس نتایج رتبه بندی آزمون فریدمن، متغیر خانواده با میانگین رتبه‌ای ۳/۳۱ در رتبه اول، متغیر دوستان با میانگین رتبه‌ای ۲/۷۹ در رتبه دوم، متغیر رسانه با میانگین رتبه‌ای ۲/۲۵ در رتبه سوم و متغیر مدرسه با میانگین رتبه‌ای ۱/۶۵ در رتبه چهارم از ابعاد جامعه‌پذیری در گرایش به ورزش قرار دارد. متغیر مدرسه با میانگین رتبه‌ای ۳/۲۸ در رتبه اول، متغیر دوستان با میانگین رتبه‌ای ۲/۶۰ در رتبه دوم، متغیر خانواده با میانگین رتبه‌ای ۲/۲۳ در رتبه سوم و متغیر رسانه با میانگین رتبه‌ای ۱/۸۹ در رتبه چهارم از ابعاد جامعه‌پذیری در عدم گرایش به ورزش قرار دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون کروسکال والیس جهت بررسی فرهنگ ورزش و موانع اقتصادی براساس سطح درآمد خانواده

موانع اقتصادی			فرهنگ ورزش			متغیر
رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	سطح درآمد
اول	۹۵/۵۲	۳۳	سوم	۹۷/۹۱	۴۸	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان
چهارم	۷۷/۸۰	۶۰	چهارم	۸۴/۶۰	۴۴	۵۰۰ تا ۱ میلیون تومان
سوم	۸۹/۱۴	۵۱	اول	۱۱۷/۳۷	۷۷	۱ میلیون تا ۲ میلیون تومان
دوم	۹۵/۳۰	۳۰	دوم	۱۰۷/۷	۳۸	بیشتر از ۲ میلیون تومان
۱۷۴	تعداد		۲۰۷	تعداد		
۳/۸۹۸	خی ۲		۹/۰۷۸	خی ۲		شاخص‌های آماری
۳	df		۳	df		
۰/۲۷۳	معناداری		۰/۰۲۸	معناداری		

نتایج آزمون کروسکال والیس با توجه به سطح معناداری ( $0/028$ ) نشان داد از لحاظ سطح درآمد خانواده‌ها، تفاوت معناداری در فرهنگ ورزش افراد شرکت‌کننده در ورزش وجود دارد؛ به طوری که خانواده‌هایی با سطح درآمد یک میلیون تا دو میلیون تومان از فرهنگ ورزش بالاتری نسبت به دیگر گروه‌ها درآمدی

برخوردارند. همچنین، نتایج نشان داد در بین افراد غیرشرکت‌کننده در ورزش تاکید بر موانع اقتصادی براساس سطح درآمد معنادار نمی‌باشد ( $\text{sig}=0/273$ ).

جدول ۵: نتایج آزمون کروسکال والیس جهت بررسی فرهنگ ورزش و موانع ساختاری براساس مسافت تا فضاهای ورزشی

موانع ساختاری			فرهنگ ورزش			متغیر
رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	فاصله تا فضای ورزشی
دوم	۸۹/۱۳	۷۶	اول	۱۱۹/۸۰	۸۸	کمتر از ۱۰۰۰ متر
سوم	۸۴/۲۰	۵۸	دوم	۹۵/۶۴	۶۲	بین ۱ تا ۳ کیلومتر
اول	۱۰۵/۰۸	۲۵	سوم	۹۵/۵۰	۲۹	بین ۳ تا ۵ کیلومتر
چهارم	۶۲/۷۳	۱۵	چهارم	۸۱/۶۶	۲۸	بیشتر از ۵ کیلومتر
۱۷۴		تعداد	۲۰۷		تعداد	
۷/۰۹۰		خی ۲	۱۱/۸۵۱		خی ۲	شاخص‌های آماری
۳		df	۳		df	
۰/۰۶۹		معناداری	۰/۰۰۸		معناداری	

نتایج جدول ۵ با توجه به سطح معناداری ( $0/008$ ) نشان داد براساس مسافت تا فضاهای ورزشی تفاوت معناداری در فرهنگ ورزش افراد شرکت‌کننده در ورزش وجود دارد؛ به طوری که هرچه فاصله تا مکان‌های ورزشی نزدیک‌تر می‌شود، سطح فرهنگ ورزش افراد بالاتر می‌باشد. همچنین، نتایج نشان داد در بین افراد غیرشرکت‌کننده در ورزش، تاکید بر موانع ساختاری براساس فاصله تا اولین فضای ورزشی معنادار نمی‌باشد ( $\text{sig}=0/069$ ).

جدول ۶: نتایج آزمون کروسکال والیس جهت بررسی فرهنگ ورزش و موانع شغلی براساس میزان ساعت کاری

موانع شغلی			فرهنگ ورزش			متغیر
رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	مدت زمان کار
چهارم	۶۸/۶۶	۴۰	سوم	۸۷/۷۶	۴۰	بیکار
سوم	۸۲/۳۲	۵۲	چهارم	۸۹/۴۲	۴۹	کمتر از ۳ ساعت
دوم	۸۹/۲۸	۶۷	اول	۱۱۸/۲۳	۶۳	۳ تا ۷ ساعت
اول	۱۴۷/۷۷	۱۵	دوم	۱۱۶/۰۶	۵۵	بیشتر ۷ ساعت
۱۷۴		تعداد	۲۰۷		تعداد	
۲۸/۲۴۵		خی ۲	۱۳/۴۸۷		خی ۲	شاخص‌های آماری
۳		df	۳		df	
۰/۰۰۱		معناداری	۰/۰۰۴		معناداری	



نتایج آزمون کروسکال والیس با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۴) نشان داد براساس میزان ساعت کاری تفاوت معناداری در فرهنگ ورزش افراد شرکت کننده در ورزش وجود دارد؛ به طوری که هرچه میزان ساعت کاری افزایش می یابد فرهنگ ورزش افراد نیز بیشتر می باشد، اما مجدداً با افزایش میزان ساعت کاری به بیش از ۷ ساعت فرهنگ ورزش کاهش می یابد. همچنین نتایج نشان داد در بین افراد غیر شرکت کننده در ورزش، تاکید بر موانع شغلی براساس میزان ساعت کاری معنادار می باشد. (sig=۰/۰۰۱) با توجه به این نتیجه، هرچه میزان ساعات کاری افزایش می یابد، تاکید افراد بیشتر بر موانع شغلی به عنوان یکی از بازدارندها جهت مشارکت در ورزش می باشد.

جدول ۷: نتایج آزمون کروسکال والیس جهت بررسی فرهنگ ورزش و موانع شخصی براساس فعالیت های جانبی

موانع شخصی			فرهنگ ورزش			متغیر
رتبه	میانگین	تعداد	رتبه	میانگین	تعداد	میزان زمان و پول
پنجم	۷۶/۲۴	۹	اول	۱۲۰/۶۶	۲۵	خیلی کم
سوم	۸۲/۳۶	۴۵	دوم	۱۱۵/۱۳	۵۹	کم
چهارم	۷۹/۱۷	۴۳	چهارم	۹۵/۹۷	۸۶	متوسط
دوم	۹۰/۴۷	۶۷	سوم	۱۰۲/۳۱	۳۴	زیاد
اول	۱۶۴/۵۰	۱۰	پنجم	۴۵/۵۰	۳	خیلی زیاد
۱۷۴		تعداد	۲۰۷		تعداد	
۲۷/۲۱۱		خی ۲	۷/۱۲۴		خی ۲	شاخص های آماری
۴		Df	۴		df	
۰/۰۰۶		معناداری	۰/۰۲۹		معناداری	

نتایج جدول ۷ با توجه به سطح معناداری (۰/۰۲۹) نشان داد براساس سطوح فعالیت های جانبی تفاوت معناداری در فرهنگ ورزش افراد شرکت کننده در ورزش وجود دارد؛ به طوری که تقریباً به جز در سطح فعالیت زیاد که پس از کاهش در سطوح قبلی افزایش یافته است - هرچه سطح فعالیت های جانبی افزایش می یابد، فرهنگ ورزش افراد کمتر است. همچنین، نتایج نشان داد در بین افراد غیر شرکت کننده در ورزش، تاکید بر موانع شخصی براساس فعالیت های جانبی معنادار می باشد (sig=۰/۰۰۶)؛ بدین صورت که هرچه افراد زمان و پول بیشتری را برای فعالیت های جانبی صرف می کنند، تاکید بیشتری بر موانع شخصی دارند. جهت بررسی تفاوت میزان تمایل جهت مشارکت در ورزش، بین افراد مختلف از تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده و نتایج حاصل از آن در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸: نتایج تحلیل MANOVA و Pillai's Trace

اثر	مقدار	F	Df	معناداری
پیلایی	۰/۷۵۹	۹/۸۹۹	۱۶	۰/۰۰۱

نتایج جدول فوق نشان داد مانووا در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. بنابراین تفاوت میانگین گروه‌ها در متغیر وابسته مرکب در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

جدول ۹: نتایج آزمون مانووا برای هر یک از متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل	مجموع مربعات	Df	مربع حسابی	F	معناداری
موانع اقتصادی	۱۴/۹۰۷	۴	۳/۷۲۷	۷/۷۰۳	۰/۰۰۱
موانع ساختاری	۲۸/۷۷۵	۴	۷/۱۹۴	۱۱/۲۰۸	۰/۰۰۱
موانع شغلی	۳۵/۹۹۷	۴	۸/۹۹۹	۹/۴۱۴	۰/۰۰۱
موانع شخصی	۵۲/۳۴۳	۴	۱۳/۱۰۹	۳۰/۰۶۲	۰/۰۰۱

جدول ۹ معناداری هر یک از آنوواها را نشان می‌دهد. چنان که دیده می‌شود هر چهار متغیر تحقیق، در زمینه تفاوت میزان تمایل جهت مشارکت در ورزش، معنادار هستند. بنابراین و با توجه به معناداری تحلیل مانووا جهت بررسی و شناسایی متغیرها که در تحلیل مانووا معنادار شده‌اند، از تحلیل تابع تشخیص استفاده خواهیم کرد.

جدول ۱۰: نتایج آمار توصیفی هر گروه در مورد متغیرها

گروه	متغیر	میانگین
تمایل به شرکت خیلی زیاد	موانع شغلی	۲/۶۳
	موانع اقتصادی	۲/۵۷
	موانع ساختاری	۲/۳۶
	موانع شخصی	۲/۲۴
تمایل به شرکت خیلی کم	موانع شغلی	۳/۹۴
	موانع ساختاری	۳/۴۷
	موانع اقتصادی	۳/۲۲
	موانع شخصی	۳/۲۰
کلی	موانع شغلی	۳/۱۸
	موانع اقتصادی	۲/۸۲
	موانع ساختاری	۲/۶۴
	موانع شخصی	۲/۶۰

نتایج جدول ۱۰ نشان داد به طور کلی میانگین موانع شغلی از سایر موانع بیشتر و میانگین موانع فردی کمترین میزان را در بین موانع مختلف به خود اختصاص داده است. در ادامه جهت بررسی یکسانی واریانس متغیرها از آزمون Box استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۱۱ ارائه شده است.

جدول ۱۱: نتایج آزمون Box جهت بررسی یکسانی واریانس متغیرها

۱۹/۷۵۱	مقدار Box
۱/۴۵۲	مقدار F
۳۰	df1
۶۳۷۲۳/۲۸۹	df2
۰/۱۷۴	معناداری

نتایج جدول ۱۱ نشان داد یکسانی واریانس‌های متغیرهای مختلف معنادار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان از نتایج تحلیل تابع تشخیص استفاده نمود.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی عوامل موثر بر گرایش و عدم گرایش شهروندان شهر آمل به ورزش بوده است. نتایج جهت بررسی ابعاد فرهنگ پذیری مردم در گرایش به ورزش در فضاهای شهری شهر آمل نشان داد متغیر خانواده بیشترین نقش و متغیر مدرسه کمترین نقش را در گرایش شهروندان شهر آمل در زمینه مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی دارا بوده است. همچنین، در بخش بررسی ابعاد فرهنگ پذیری در عدم گرایش به ورزش (به عنوان یک مانع) در فضاهای شهری شهر آمل نتایج نشان دهنده آن است که مدرسه بیشترین نقش را در عدم گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی را دارا بوده است و رسانه‌های جمعی کمترین نقش را داشته‌اند. نکته در مورد توجه در نتایج به دست آمده، نقش خانواده و مدرسه می‌باشد به نوعی که خانواده در گرایش به ورزش یک تسهیل کننده قوی و در عدم گرایش به ورزش به عنوان یک مانع، کمترین تاثیر را داشته است و این نشان دهنده آن است که در خانواده‌های آملی از نظر مشارکت افراد در ورزش و فعالیت بدنی محدودیتی وجود ندارد و حتی یک ترغیب کننده قوی جهت مشارکت می‌باشند. نتایج پژوهش شمسی و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان داد که خانواده قوی‌ترین تاثیر را در مشارکت ورزشی جوانان شهر اصفهان داشته است. همچنین، اشنادیر<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) در پژوهش خود دریافت که والدین علاقه به ورزش و تمرین را در فرد تقویت و آشکارا بر مشارکت فرد در ورزش تأثیر می‌گذارند. ایلر<sup>۲</sup> و همکاران

<sup>۱</sup> . Schneider

<sup>۲</sup> . Eylar

(۱۹۹۷) نیز اذعان داشتند که حمایت اعضای خانواده نقش مهمی در مشارکت ورزشی ایفا می نمایند. حمایت خانواده به طور ثابت، یک عامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت افراد در فعالیت بدنی است (کنیون و مکفرسن<sup>۱</sup>، ۱۹۷۳). نتایج پژوهش‌های فوق به نوعی همسو با تحقیق حاضر می‌باشند و تأکید زیادی بر خانواده به عنوان یک نهاد و عامل اصلی مهم در گرایش افراد به ورزش را دارند. اما نکته مهم‌تر نقش مدرسه می‌باشد که در گرایش افراد به ورزش و فعالیت بدنی کمترین نقش و در عدم گرایش به عنوان یک مانع، بیشترین نقش را داشته است. از آنجایی که افراد سال‌های زیادی را در مدرسه می‌گذرانند و این نهاد نقش به‌سزایی را در فرهنگ‌پذیری و تغییرات فرهنگی در جامعه درآرا می‌باشد، با تغییر رویه و نگرش نسبت به ورزش می‌توانند کمک شایانی به مشارکت بیشتر افراد در ورزش و فعالیت‌های بدنی بنمایند و حضوری پررنگ‌تر در این زمینه داشته باشند. به بیان دیگر، از آنجایی که عادت به فعالیت بدنی و ورزش در دوران کودکی و نوجوانی، اغلب در دوران بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد (دوبینس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹)، توجه مدارس به برنامه‌های تربیت بدنی اهمیت خود را نشان می‌دهد (نایلور و مک‌کی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

نتایج پژوهش حاضر در زمینه فرهنگ ورزش افراد شرکت کننده در ورزش بر اساس سطح درآمد آنان نشان دهنده آن است که هرچه میزان درآمد افراد بالاتر باشد، فرهنگ ورزش نیز در بین آنان بالاتر است. بنابراین در نگاه اول، سطح درآمد و وضعیت اقتصادی خانوار یک متغیر مهم جهت مشارکت در ورزش محسوب می‌گردد، اما با بررسی‌های بیشتر، نتایج مهم‌تری به دست آمد. نتایج مربوط به افرادی که موانع اقتصادی و درآمدی را به عنوان مانع مشارکت انتخاب نموده‌اند، معنادار نبوده و از الگوی خاصی پیروی نکرده و نشان داد خانواده‌های با سطح درآمد بالا نیز علت عدم مشارکت در ورزش را مانع اقتصادی دانسته‌اند. این نتایج با نتیجه پژوهش قهرمانی و همکاران (۱۳۹۲) همسو بود و با نتایج پژوهش اسوریکا و مایر<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) همخوانی ندارد. دیویدسون و لائوسون<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) در پژوهش خود اذعان کردند که افراد کم درآمدی که به پارک‌ها (به عنوان یکی از فضاها ورزشی) دسترسی دارند فعال‌تر از کسانی هستند که دسترسی کمتری دارند. با این حال در بررسی جامع که به وسیله تحلیل مانوا و تحلیل تابع تشخیص صورت پذیرفته است، مانع اقتصادی در مرتبه دوم اهمیت به عنوان یک عامل بازدارنده قرار داشته است. همچنین، نتایج این پژوهش در زمینه فرهنگ ورزش براساس فاصله تا اولین فضای ورزشی نشان داد هرچه فاصله تا اولین فضای ورزشی کمتر

---

<sup>۱</sup> . Kenyon & Mepheron

<sup>۲</sup> . Dobbins

<sup>۳</sup> . Naylor & McKay

<sup>۴</sup> . Asorika. & Mayer

<sup>۵</sup> . Davidson & Lawson

باشد، میزان فرهنگ ورزش افراد افزایش می‌یابد. این نتیجه با نتیجه پژوهش فتیحی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. آصفی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود یکی از عوامل موثر بر نهادیه کردن ورزش را زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی معرفی نمودند و الکساندریس و کارول<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) و مچنو و لی‌روکس<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) نیز یکی از مهم‌ترین عوامل و موانع محدود کننده فعالیت بدنی را اماکن و تجهیزات ورزشی و عدم دسترسی آسان به آن بیان کردند. اما نتایج مربوط به افرادی که در ورزش مشارکت ندارند بیانگر آن است که انتخاب مانع مسافت و دوری تا فضاهای ورزشی با فاصله آن‌ها تا اولین فضای ورزشی از الگوی منظمی پیروی نکرده، معنادار نمی‌باشد؛ این بدان معناست که حتی افراد با فاصله نزدیک به فضاهای ورزشی نیز مانع مسافت را به عنوان یک مانع انتخاب کرده‌اند و افراد با فاصله دورتر نسبت به اماکن ورزشی تاکید بیشتری بر این مانع نداشته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد عامل یا عوامل دیگری در این امر دخیل می‌باشند که جهت بررسی آن در قسمت آخر به نتایج آزمون مانوا اشاره خواهد شد.

نتایج در مورد فرهنگ ورزش و میزان ساعات کاری افراد نشان داد هرچه میزان ساعت کاری افزایش می‌یابد، فرهنگ ورزش افراد نیز بیشتر می‌باشد؛ اما مجدداً با افزایش میزان ساعات کاری به بیش از ۷ ساعت فرهنگ ورزش کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش فتیحی (۱۳۸۸) نیز نشان داد وضعیت اشتغال بر مشارکت ورزشی تاثیر دارد و نمره مشارکت ورزشی در میان شاغلان بیشتر است. شاغلان در مقایسه با افراد غیر شاغل مرادوات اجتماعی بیشتری دارند و همین امر احساس نیاز و شناخت آن‌ها را نسبت به ورزش و مشارکت ورزشی افزایش می‌بخشد. همچنین نتایج مربوط به موانع شغلی براساس میزان ساعت کاری نیز نشان داد هرچه میزان ساعات کاری افزایش می‌یابد، تاکید افراد بر موانع شغلی بیشتر می‌شود و نتایج بررسی جامع که به وسیله تحلیل مانوا و تحلیل تابع تشخیص صورت پذیرفته است نیز نشان داد موانع شغلی از نظر افراد غیرشرکت کننده در فعالیتهای بدنی و ورزش در درجه اول اهمیت قرار دارد. معتمدین و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود دومین علت اساسی در عدم مشارکت در ورزش را وجود مشغله زیاد در زندگی افراد غیرشرکت کننده در ورزش همگانی بیان نمودند. همچنین، مرکز ورزش و سرگرمی نیوزلند<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) نیز کمبود زمان را به عنوان یکی از موانع و محدودیتهای مشارکت در ورزش معرفی نمود. نتایج پژوهش حاضر در زمینه فرهنگ ورزش افراد شرکت کننده در ورزش براساس فعالیتهای جانبی نشان داد افرادی که هزینه و زمان زیادی را صرف فعالیتهای جانبی می‌کنند، از فرهنگ ورزش پایین تری برخوردارند و

<sup>۱</sup> . Alexandris, & Carroll

<sup>۲</sup> . Mchunu, & Le Roux

<sup>۳</sup> . Sport & recreation New Zealand institute

برعکس؛ یعنی کسانی که هزینه و زمان کمتری برای فعالیت‌های جانبی نظیر کار با کامپیوتر، موبایل (شبکه-های اجتماعی) و سرگرمی‌های دیگر اختصاص می‌دهند، از فرهنگ ورزش بالاتری برخوردار هستند. از طرف دیگر، نتایج افرادی که در ورزش و فعالیت‌بدنی مشارکتی ندارند و مانع شخصی مانند تنبلی و بی‌حوصلگی، بی‌انگیزگی و علاقه کم به ورزش را مهم‌ترین مانع مشارکت در ورزش قلمداد نمودند، نشان داد کسانی که زمان و هزینه‌های زیادی را صرف فعالیت‌های جانبی نموده‌اند بیشتر از افرادی که به این میزان هزینه و زمان صرف فعالیت‌های جانبی نموده‌اند بر موانع شخصی تاکید داشته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که ارتباط نزدیکی بین انجام فعالیت‌های جانبی و مشارکت در ورزش وجود دارد که نیازمند بررسی بیشتر می‌باشد. از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به نتایج تحلیل واریانس چند متغیره و تحلیل تابع تشخیص اشاره نمود. نتایج این آزمون‌ها نشان داد هم افرادی که تمایل زیادی به مشارکت در ورزش دارند و هم افرادی که تمایل کمی به مشارکت دارند، موانع شغلی را به عنوان مهم‌ترین بازدارنده و موانع شخصی را به عنوان کم‌اهمیت‌ترین مانع جهت مشارکت در ورزش انتخاب نموده‌اند. بنابراین، این افراد از انگیزه و علاقه لازم جهت مشارکت در ورزش و فعالیت‌بدنی برخوردارند، اما به نظر می‌رسد مشغله زیاد شغلی - ناشی از وضعیت بد اقتصادی و مالی جامعه - مهم‌ترین مانع مشارکت این افراد در ورزش و فعالیت‌های بدنی به حساب می‌آید؛ به نوعی که افراد جهت امرار معاش و گذران زندگی خود مجبورند زمان بیشتری را به کار کردن و تامین مالی خود و خانواده‌شان اختصاص دهند. پس با بهبود وضعیت اقتصادی کشور می‌توان پیش‌بینی نمود که میزان مشارکت افراد در ورزش نیز افزایش یابد.

به طور کلی و با توجه به آنکه متغیر مدرسه کمترین تاثیر را بر فرهنگ ورزش داشته است و تاکید افراد غیر ورزشکار بر مدرسه و برنامه‌های آن به عنوان یک عامل مهم که رسالت خود را در جهت ترغیب و تشویق افراد به مشارکت در ورزش، به درستی انجام نداده است و به نوعی به عنوان مهم‌ترین بازدارنده انتخاب شده است، نیاز به یک تعامل چندجانبه بین شهرداری و اداره ورزش و جوانان و همچنین آموزش و پرورش شهر آمل دیده می‌شود؛ به نوعی که با برنامه‌ریزی مناسب و همچنین تاکید بر تاثیرات گسترده این نهاد (مدرسه) در زمینه فرهنگ‌سازی به طور کلی و فرهنگ ورزش به‌طور اختصاصی، حمایت دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران و مدیران بخش آموزش شهر آمل را به این سمت معطوف دارند تا نقشی پررنگتر در توسعه ورزش و فعالیت‌بدنی در گستره شهر آمل داشته باشند.

همچنین با توجه به تاکید افراد غیر ورزشکار بر موانع اقتصادی و امکاناتی به عنوان یکی از موانع مشارکت در ورزش، پیشنهاد می‌شود با تعامل با اداره ورزش و جوانان در جهت کاهش هزینه‌های مشارکت در کلاس‌های آموزشی زمینه را برای توسعه مشارکت در ورزش همگانی در شهر آمل را فراهم آورند.

با توجه تاثیرات فاصله تا نزدیک‌ترین فضاهای ورزشی توسط افراد ورزشکار و از آنجایی که افراد ورزشکار با سطوح فرهنگ ورزش بالاتر تمایل بیشتری برای ترغیب و تشویق افراد دیگر جهت مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی دارند، پیشنهاد می‌شود ساخت و توزیع امکانات در سطح شهر آمل در آینده به صورت موزون صورت پذیرد و از دادن مجوز ساخت و تاسیس فضاهای ورزشی در مناطقی که چندین مجموعه و سالن ورزشی را دارا می‌باشند، خودداری شود. مناطق مناسب و مناطقی که از فضاهای ورزشی فاصله بیشتری دارند، بهترین مکان‌ها برای ساخت اماکن ورزشی می‌باشند.

پژوهش‌های و مطالعات بیشماری درباره مشارکت و یا عدم مشارکت افراد جامعه در ورزش و فعالیت‌های بدنی صورت پذیرفته است. مطالعه این پژوهش‌ها نشان دهنده آن است که اغلب آنان بر روی جامعه زنان انجام شده و یا تنها به موانع مشارکت پرداخته‌اند؛ اما پژوهش حاضر به صورت جامع و با ترکیبی از جامعه زنان و مردان و عوامل مشارکت و عدم مشارکت به بررسی فاکتورهای مورد بحث مباردردت ورزیده و به صورت کاربردی آنها را برای شهر آمل به رشته تحریر در آورده است.

## منابع

- آصفی، احمدعلی؛ خیبری، محمد؛ اسدی دسجردی، حسن و گودرزی، محمود. (۱۳۹۳). "بررسی عوامل سازمانی موثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران". پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۱۰(۲۰): ۶۳-۷۶.
- شمسی، عبدالحمید؛ حسینی، محمدسلطان و روحانی، میثم. (۱۳۹۴). "تبیین نقش عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان (مطالعه موردی: شهر اصفهان)". مطالعات مدیریت ورزشی. ۲۸: ۷۱-۸۸.
- عبدوی، فاطمه و مهدی‌زاده، اکرم. (۱۳۹۵). "تبیین وضعیت نیازهای شهروندان ارومیه‌ای به ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی". مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۵(۳۱): ۲۱۹-۲۳۷.
- فتحی، سروش. (۱۳۸۸). "تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان". پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. ۳(۴): ۱۴۵-۱۷۳.
- قهرمانی، جعفر؛ محرم‌زاده، مهرداد و سعیدی، شیدا. (۱۳۹۲). "بررسی عوامل بازدارنده موثر بر میزان شرکت معلمان زن مقاطع سه‌گانه تحصیلی در فعالیت‌های ورزشی شهر مرنند". پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۲(۶): ۵۷-۶۶.
- کلاشی، مازیار. (۱۳۹۳). "تحلیل نقش ورزش در رشد و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه شهید بهشتی: ۱۲۳.
- مشبکی، اصغر و خادمی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). "بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی". نامه پژوهش فرهنگی. ۹(۴): ۱۷۸-۱۳۳.
- معتمدین، مختار؛ مددی، بهمن و عسکریان، فریبا. (۱۳۸۸). "توصیف عوامل گرایش یا عدم گرایش شهروندان تبریزی به ورزش همگانی". پژوهش در علوم ورزشی. ۲۳: ۶۸-۹۷.
- Alexandris, K. and Carroll, B. (1997). "Demographic Differences in the Perception of Constraints on Recreational Sport Participation: Results from a Study in Greece". Leisure Studies, 16(2): 107-125.



- Allender, S. Cowburn, C. Foster, C. (2006). **“Understanding participation in sport and physical activity among children and adults: a review of qualitative studies”**. Health Education Research. 21(6): 826–835.
- Asorika, R., Mayer, N, (2012). **“Evaluation of gender equity program implementation in Limpopo provincial department of sport, Arts and culture”**.
- Barghchi, M., Omar, D., & Aman, M. (2009). **“Cities, sports facilities developments, and hosting events”**. European Journal of Social Sciences, 10(2): 185–195.
- Beamon, K. (2010). **“Are sports overemphasized in the socialization process of African American males? A qualitative analysis of former collegiate athletes’ perception of sport socialization”**. Journal of Black Studies.. 41 (2): 281-300.
- Bragaru, M., Dekker, R., Geertzen, J.H., Dijkstra, P.U. (2011). **“Amputees and sports: A systematic review”**. Sports Med, 41: 721–740.
- Bragaru, M., van Wilgen, C.P., Geertzen, J.H.B., Ruijs, S.G.J.B., Dijkstra, P.U., Dekker, P. (2013). **“Barriers and Facilitators of Participation in Sports: A Qualitative Study on Dutch Individuals with Lower Limb Amputation”**. POLS ONE. 8(3): 1-9.
- Caruso, Raul. (2011). **“Crime and sport participation: Evidence from Italian regions over the period 1997–2003”**. The Journal of Socio-Economics, 40: 455– 463.
- Cash, S.W., Duncan, G.E., Beresford, S. A., McTiernan, A., Patrick, D.L., (2013). **“Increases in physical activity may affect quality of life differently in men and women: the PACE project”**. Qual Life Res. 22:2381–2388.
- Coakly J. (2010) **“Sports in Society”**. Issues and Controversies Paperback, November 13.

- Davidson, K.K. and Lawson, C. (2006). **“Do Attributes of the Physical Environment Influence children’s Level of Physical Activity?”**. International Journal of Behavioural Nutrition and Physical Activity, 3 (19): 1-17.
- Dobbins, M., K. De Corby, Robeson, P. Husson, H. and Tirilis, D. (2009). **“Schoolbased Physical Activity Programs for Promoting Physical Activity and Fitness in Children and Adolescents Aged 6-18”**. Cochrane Database Systematic Reviews, 21(1), CD007651.
- Eyler, A. and et.al. (1997). **“Physical activity and woman in the United States: An overview of Health benefits prevalence and intervention opportunities”**. Woman and Health 26: 27-50.
- John. Chan. (2010). **“Economic Value of Sport, Thesis for the Degree of Master Science (M.S) in Business Administration”**. University of Pretoria.
- Kavetsos, G. (2012). **“National pride: War minus the shooting”**. Social Indicators Research, 106: 173–185.
- Kenyon, G. S., Mcpherson, B. D. (1973). **“Becoming involved in physical activity and sport: A process of socialization. In Physical Activity: Human Growth and Development, ed. G.L”**. Rarick. New York: Academic Press.
- Laaksonen, M., Piha, K., Martikainen, P., Rahkonen, O. et al. (2009). **“Healthrelated behaviours and sickness absence from work”**. J Occup Environ Med; 66:840–847.
- Lee, I., Shiroma, E.J., Lobelo, F., Puska, P., Blair, S.N., Katzmarzyk, P.T. (2012). **“For the Lancet Physical Activity Serie Working Group. Effect of physical inactivity on major non-communicable diseases worldwide: An analysis of burden of disease and life expectancy”**. The Lancet; 380(9838):219-229.

- Mchunu, s. Roux, K, Le. (2010). **“Non-participation in sport by black learners with special reference to gender, grades, family income and home. South African Journal for Research in Sport”**. Physical Education and Recreation, 2010, 32(1):85-98.
- Nademin, M. E., Napolitano, M. A., Xanthopoulos, M. S., Fava, J. L., Richardson, E., & Marcus, B. (2010). **“Smoking cessation in college-aged women: A qualitative analysis of factors important to this population”**. Addiction Research and Theory, 18(6), 649-666.
- Naylor, P. J. and McKay, H. A. (2009). **“Prevention in the First Place: Schools a Setting for Action on Physical Inactivity”**. British Journal of Sports Medicine, 43(1): 10-3.
- Nicholas, J. Cull. (2009). **Public Diplomacy: Lessons from the Past**. Page 30- 38.
- Rimmer, J.H. Chen, M. Chen M.D., McCubbin J.A., et al. (2010). **“Exercise intervention research on persons with disabilities: What we know and where we need to go”**. Am J Phys Med Rehabil 89: 249-263.
- Rochelle, Eime, M. Melanie, Charit, J. Jack, y. Harvey, T. Warren, Payne. R. (2015). **“Participation in sport and physical activity: associations with socio-economic status and geographical remoteness”**. BMC Public Health, 15(434): 1-12.
- Sport & recreation New Zealand institute. (2007). **“it’s all about children and young people”**.

# **A Survey on Effective Factors in Tendency and Lack of Tendency of Amol Citizens to Sport**

**Seyyed Emad Hosseini**

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

**Mohammad Hadi Ghasemi**

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

**Masoud Yamini Firouz**

Master Degree in Sports Management, Shomal University, Amol, Iran

**Maziyar Kalashi**

Master Degree in Sports Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

*Received:14 Dec. 2016*

*Accepted:3 Jun. 2017*

The study is a survey on effective factors in tendency and lack of tendency of Amol citizens to sport. The methodology of this study has been descriptive – survey and the method of data collection was fieldwork. Two questionnaires were used to collect data from a semi researcher for people participating in sport- borrowed from Shamsi Questionnaire (1392)- and non-participants in the exercise- borrowed from questionnaires Motameni et al. (1392) were used. To analyze the data, the Kolmogorov-Smirnov test, Friedman test, Kruskal-Wallis test were used and analysis of variance and discriminant analysis were at a significance level  $p \leq . / 05$ . The results showed the variable family has been the most of role and school variable minimal role in Amol citizens' tendency in the field of participation in sport and physical activity. The results showed whatever be higher individual income the sports culture is higher among their, and whatever be lower distance to first sport will increase sports culture. In the case of athletic group, the results showed people with more working hours have a higher sports culture and people who spend a lot of time and expense side activities have lower Sport Culture. The results also showed in non-athletes whatever of hours worked increased emphasis persons will be more on job barriers and people who spend a lot of time and expense side activities have focused more on personal obstacles.

**Key word:** Family, School, Friends, Mass media and Sports Culture

